

سرمایه‌داری جهانی و حقوق بشر را مورد بررسی و با تعریف زور و رضایت به‌عنوان دو ابزار حکمرانی هژمون سرمایه‌داری جهانی، انواع فشارهای برای ترغیب کشورها برای تبعیت از حقوق بشر جهانی را تحلیل می‌کند. پس‌از آن، نظام عمومی ترجیحات اتحادیه اروپا به‌عنوانی ابزاری نرم و همراه با رضایت در متقاعدسازی کشورها به پذیرش رهنمودهای حقوق بشری معرفی خواهد شد و با نمونه‌هایی از کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه، این مسئله تبیین خواهد شد. روش این تحقیق، توصیفی-تحلیلی و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، کتاب‌خانه‌ای است.

۱. چارچوب نظری و مفهومی

در این پژوهش برای ارزیابی فشارهای حقوق بشری اتحادیه اروپا، از رویکرد نئوگرامشی در روابط بین‌الملل که خود متأثر از اندیشه‌های آنتونیو گرامشی^۱ نظریه‌پرداز سیاسی و پیشرو کمونیست ایتالیایی است، استفاده شده است. گرامشی خطوط اصلی تحلیل کارل مارکس از ساختار و پویایی‌های سرمایه‌داری را پذیرفت، اما تمایل زیاد به پذیرش تفسیرهای اقتصادگرایان محض و مکانیکی متداول وی درباره‌ی جنبش سوسیالیستی بین‌المللی نداشت. (Rupert, 2007, p. 40) در قلب نظریه‌ی گرامشی، مفهوم هژمونی قرار دارد. وی بین حکمرانی مبتنی بر اجبار و حکمرانی مبتنی بر رضایت و هژمونی یا «رهبری فکری و اخلاقی» تمایز می‌گذارد. رضایت را نیروهای اجتماعی غالب با آموزش گروه‌های تابع ایجاد می‌کنند. باید اطمینان حاصل آید که گروه‌های تابع و وابسته در مجموعه‌ی خاصی از باورها و جهان‌شمول‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی معین و مشخصی هم‌نظر هستند. به نظر گرامشی، نیروهای هژمونیک وظیفه دارند توده‌ها را «آموزش دهند»، فهم گروه‌های تابع و وابسته را از نقش آن در جامعه و از خود جامعه «خلق کنند» و اطمینان حاصل نمایند که آن‌ها جامعه موجود را «بدون هیچ انتقادی» پذیرفته‌اند. (Gramsci, 1957, p. 66)

تقریباً در دهه‌ی ۱۹۸۰ شاهد انعکاس اندیشه‌های گرامشی در روابط بین‌الملل